

بسمه تعالی



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه
گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی

درسنامه حقوق ورزشی

تهیه، گردآوری و تنظیم: حسام اشراقی

سال تحصیلی ۹۴-۹۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴.....	چکیده مطالب:
۵.....	مقدمه
۷.....	فصل اول: شناخت حقوق ورزشی
۸.....	مبحث اول: منظور از حقوق ورزش چیست؟
۸.....	مبحث دوم: تعریف حقوق ورزشی
۹.....	مبحث سوم: اهداف حقوق ورزش
۹.....	مبحث اول: جایگاه ورزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۱.....	مبحث دوم: حقوق ورزشی در اسلام
۱۱.....	مبحث سوم: حقوق ورزشی در حقوق ایران
۱۳.....	فصل دوم: مسئولیت های ناشی از عملیات های ورزشی
۱۴.....	مبحث اول: تعریف خطای ورزشی
۱۵.....	مبحث دوم: قانون مسئولیت مدنی
۱۶.....	۱- ارتکاب عمل
۱۶.....	۲- وجود ضرر
۱۶.....	۳- خلاف قانون بودن
۱۶.....	۴- رابطه علیت
۱۷.....	مبحث سوم: تحلیل حقوقی بند ۳ م ۵۹ قانون مجازات اسلامی
۱۷.....	(۱) شخصیت مرتکب
۱۸.....	(۲) عمل مرتکب
۱۸.....	(۳) رعایت مقررات
۱۹.....	(۴) موازین شرعی در بند ۳ ماده ۵۹:

۲۰	مبحث چهارم: مسئولیت در فقه
۲۳	مبحث دوم: رویه قضایی و نظریه اداره حقوقی
۲۴	مبحث سوم: ماهیت و ویژگیهای خطای ورزشی
۲۵	مبحث چهارم: رضایت ورزشکار
۲۹	فرم گزارش حادثه
۳۰	حکمت در ورزش
۳۳	الگوی کلی برای خسارات مالی
۴۰	فهرست منابع

چکیده مطالب:

اهمیت تربیت بدنی و ورزش که لازمه سلامتی و تندرستی در جامعه امروزی می‌باشد بر هیچ کس پوشیده نیست به گونه‌ای که حتی با غرور ملی نیز پیوند خورده است اما باید دانست که ورزش جدای از خطرات و آسیب‌ها نمی‌باشد و ممکن است یکی از ورزشکاران بر روی دیگری مرتکب خطایی گردد قانونگذار نیز این خطرات و آسیب‌ها را از چشم دور ندانسته و آنها را مد نظر داشته است.

لذا در بند ۳ ماده ۵۹ ق.م.ا. اگر که این حرکات بر طبق مقررات آن ورزش صورت گرفته و آن مقررات هم برخلاف موازین شرعی نباشند، مسئولیت کیفری نخواهند داشت ولی مسئولیت مدنی همچنان برقرار می‌باشد. واژگان کلیدی: ورزش - خطای ورزشی - ورزشکار - عملیات ورزشی - مسئولیت‌های قانونی - موازین شرعی.

از قدیمترین روزگاران و حتی پیش از پیدایش خط، نیاز به تأمین خوراک و پوشاک از راه شکار حیوانات و احتیاج به کسب توانایی برای مقابله با خطرهای طبیعی و دشمنان گوناگون جوامع کهن بشری را واداشته بود که به امر تربیت بدنی، بعنوان یکی از مهمترین امور زندگی توجه نمایند و این حقیقت را دریابند که قدرت، استقامت، مهارت و سرعت را که در زندگی انسانها از اهمیتی برخوردار است، می توان با بهره گیری از تمرین و فعالیت های جسمانی تا حد قابل ملاحظه ای تقویت کرد.

وقتی دولت ها و حکومت ها تشکیل و تأسیس شدند رهبران آنها متوجه شدند که برای حفظ یا گسترش مرزهای خود نیاز بازوان توانایی هستند که در جنگ ها بتوانند پیروزی را برای آنها به ارمغان آورند. قرن های اخیر ورزش از آمادگی جسمانی برای صرفاً جنگ خارج گشته و بعنوان یک ضرورت برای سلامتی جامعه نگریسته شده است و بالاتر از آن حرفه ای گشته است یعنی عده ای از افراد جامعه شغل و حرفه شان ورزش است.

طبعاً در این صورت که نگاه به ورزش به صورت یک ضرورت و نیاز اجتماعی در آمده، و سلامتی و نشاط جامعه در گرو آن است و باید در ترویج آن کوشید چرا که گرایش به ورزش از تباه شدن نسل جوان و منحرف شدن آن جلوگیری نموده و اعتیاد به مواد مخدر را ریشه کن خواهد کرد. اما ورزش جدای از خطرات نیست و در آشنای ورزش ممکن است یکی از ورزشکاران بر روی دیگری مرتکب خطایی شود، در این نوشتار سعی بر آن است که خطاهایی را که در حین ورزش حادث می شوند را بررسی حقوقی کنیم و بدانیم که آیا مسئولیت کیفری و یا مدنی در چنین خطاهایی وجود دارد یا خیر؟

با توجه به اهمیت ورزش ها در جامعه کنونی و نیز منافع زیادی که بر آن مترتب است بررسی خطاهای ورزشی از دیدگاه حقوق و قانون دارای ارزش بالایی است چرا که در نوع نگاه مردم به ورزش تأثیر گذار است. هدف این نوشتار آنست که بدانیم که آیا خطاهای ورزشی مسئولیت کیفری و یا مدنی دارند؟ و علت آن کدام است؟ ضرورت آن را هم در وجود خطاهایی است که در ورزش ها هر روز اتفاق می افتد. خصوصاً در زمان ما که ورزش بصورت شغل در آمده است.

پرسشها

۱. آیا خطای ورزشکاران در حین عملیات ورزشی مسئولیت کیفری و مدنی می باشد؟
۲. آیا مسئولیت مدنی و کیفری در خطای ورزشی اختلاط و یگانگی پیدا نمی کند؟
۳. در صورتی که ورزشکار مصدوم، مدتی از ورزش دور بماند و چون ورزش شغل او محسوب می شود از درآمد آن محروم شود آیا ورزشکار خاطی باید این ضرر را جبران کند؟

۴. در صورتی که هزینه‌های بیمارستان و دارو و ... بیش تر از میزان دیه باشد آیا مبلغی بیش از دیه بر عهده ی ورزش کار خا طی است؟

گفتار اول:

مبحث اول: منظور از حقوق ورزش چیست؟

مبحث دوم: تعریف حقوق ورزشی

مبحث سوم: اهداف حقوق ورزشی

گفتار دوم:

مبحث اول: جایگاه ورزش در قانون اساسی

مبحث دوم: حقوق ورزش در اسلام

مبحث سوم: حقوق ورزش در حقوق ایران

مبحث اول: منظور از حقوق ورزش چیست؟

منظور ما از حقوق ورزشی مجموعه مقرراتی است که بر تمامی امور ورزش حاکم است اعم از ورزشکاران، مدیران فنی، تماشاگران، مدیریت‌های ستادی ورزش، پزشکان ورزشی، سازندگان لوازم ورزشی و فروشندگان لوازم ورزشی و بالاخره کارکنان سازمان‌های ورزشی. این یک تعریف کلی است یعنی مجموعه قواعد و قوانین حاکم بر کل ورزش. به طور کلی در همه کشورهای دنیا ورزش از حمایت‌های عمومی خاصی برخوردار است، چون اهداف ورزش در واقع تربیت نسل، برومندی، توانمندی، نشاط، سلامتی و بالاخره آماده سازی مهم‌ترین رکن توسعه یعنی انسان است و نباید از جنبه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن به سادگی گذشت و به همین دلیل برای حمایت از این فعالیت و این نهاد، قوانین و امتیازات بسیار ویژه‌ای را در نظر گرفته‌اند. منتها شکل اعطای این امتیازات متفاوت است؛ گاهی به صورت قوانین صریح و گاهی به صورت ضمنی و گاهی هم در قالب رویه‌های قضایی عملیات ورزش از این امتیازات برخوردار می‌شود. ولی چون هدف ورزش به طور کلی در تمام دنیا همین مباحثی است که عرض کردم، حکومت‌ها هزینه‌ی آن را پرداخت می‌کنند و حوادث ورزش را از شمول حوادثی که در کوچه و خیابان اتفاق می‌افتد کاملاً جدا می‌کنند؛ هر چند از لحاظ نتیجه یکی باشند. چون در اینجا اهداف دیگری مدنظر است.

مبحث دوم: تعریف حقوق ورزشی

حقوق ورزش یا حقوق ورزشی یکی از گرایش‌های علم حقوق است که به بررسی حوادث در ورزش می‌پردازد. واژه ورزش در این اصطلاح دارای مفهوم وسیعی است و عملیات و فعالیت‌های ورزشی قهرمانی جزئی از این مجموعه است. به طور کلی می‌توان گفت که منظور از حوادث ورزشی تمامی جرائم و شبه جرائمی است که توسط ورزشکاران، معلمین، مربیان، مدیران، تماشاگران و سازندگان و تولیدکنندگان لوازم و تجهیزات و امثال آنها به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با ورزش انجام می‌گیرد. موضوع این وقایع ممکن است سلامتی، جان، اموال، حیثیت، شرافت و سایر حقوق قانونی اشخاص باشد که در محدوده ورزش به نحوی حضور دارند. گستره کمی و کیفی موضوع‌های فوق به وضوح اهمیت این رشته را آشکار می‌سازد و آنگاه که با دقت به جایگاه حیاتی و اساسی ورزش در میان سایر نهادهای اجتماعی توجه شود ضرورت آگاهی از محتوای این رشته برای نظام قضائی کشور و به ویژه همه کسانی که به نحوی در اداره امور ورزش مداخله دارند روشن تر می‌گردد.

مبحث سوم: اهداف حقوق ورزش

موضوع حقوق ورزش تمام تخلفاتی است که در عرصه ورزش واقع می شود و به نحوی به حقوق دیگران لطمه وارد می کند و شرط اساسی خلاف قانون بودن آن هاست که با عناوینی چون جرم، شبه جرم، خطای محض، عمد و غیر عمد طبقه بندی می شود که به دنبال آن واکنش جامعه که در اصطلاح حقوق آن را مجازات می نامند مطرح می شود که این مجازات ها بر اساس نوع، شدت و ... جرایم متفاوت می باشد.

اما می توان گفت که در حقوق ورزش هدف بالا بردن آگاهی های حقوقی جامعه ورزش جلوگیری و کاهش حوادث ناشی از ورزش، تشریح وظایف و اختیارات مربیان و معلمان ورزش، ورزشکاران و مدیران و مسئولین ورزشی، مطلع نمودن جامعه ورزش از پی آمدهای حقوقی تخلفات در ورزش حفظ نمودن سلامتی جسمی و روانی و حیثیتی ورزشکاران و مربیان و نیز مصون داشتن مدیریت های ورزشی از مسئولیت های قانونی، می باشد.

گفتار دوم

مبحث اول: جایگاه ورزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی مهمترین سند حقوقی کشور است و منشأ صلاحیت و مشروعیت تمامی نهادهایی است که در کشور وجود دارد. اهمیت هر نهادی در کشور به تعبیری، بستگی به جایگاه آن در قانون اساسی دارد. اصولاً قانون اساسی به بررسی اساسی ترین امور کشور مانند حکومت، زبان، دین رسمی، حقوق ملت، اقتصاد و امور مالی قوای حاکم، رهبری، ریاست جمهوری می پردازد و بحث در مورد امور کم اهمیت تر را به قوانین عادی واگذار می کند. اکنون پرسش این است که آیا از ورزش در قانون اساسی به صراحت نام برده شده است یا اینکه مشروعیت خود را به طور غیرمستقیم از قانون اساسی بدست می آورد؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل دوم مقرر داشته که جمهوری اسلامی ایران نظامی بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

و بالاخره پس از ذکر اصول دین به شرح فوق به سراغ انسان آمده و مقرر می دارد:

که جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به:

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا. به عبارت دیگر هدف نهایی، تربیت انسانی موحد و مؤمن به وحی، معاد، عدل و امامت است زیرا که اصول دین واقعیت‌های زوال ناپذیرند و آنچه از نظر مقنن اهمیت اساسی داشته، همان تحقق بند ۶ یعنی تربیت انسانی کریم، با ارزشهای والای انسانی، آزاد و مسئول در برابر خداست. بر همین اساس در اصل دوم، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده که برای نیل به این اهداف همه امکانات خود را برای امور ذیل بکار برد. از این جمله، نتایج زیر قابل درک است:

الف) دولت موظف شده و اختیاری در رد یا قبول ندارد.

ب) دولت موظف است همه امکانات خود و نه بخشی از آن را بکار گیرد.

ج) دولت موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم فقط از طریق موارد مذکور در اصل سوم برای نیل به اهداف اقدام کند و به عبارت بهتر، وسایلی که دولت می‌تواند به آنها متوسل شود حصری بوده و منحصر به بندهای شانزده گانه اصل سوم است.

در همین اصل و در صدر امور مورد نظر مقرر گردیده:

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

با دقت در مفاد این بند نتایج ذیل قابل حصول است:

الف) از تربیت بدنی یا ورزش به صراحت یاد شده است.

و این نشانه جایگاه بسیار مهم ورزش در میان اساسی‌ترین نهادهای کشور است به عبارت دیگر ورزش به آن درجه اهمیت است که در قانون اساسی یعنی مهمترین سند حقوقی کشور یا جایگاه اساسی‌ترین نهادهای کشور قرار گرفته است.

ب) ورزش در عرض آموزش و پرورش قرار دارد و نه در بطن و یا در طول آن و این بدان معناست که ورزش از نظر اهمیت در نیل به اهداف نظام نقشی مستقل و حیاتی دارد و بخشی از آموزش و پرورش نیست.

ج) قرارداد ورزش در ردیف آموزش و پرورش و آموزش عالی نشان می‌دهد که از دیدگاه قانون اساسی، ورزش یک نهاد فرهنگی برای نیل به هدف تربیت انسان مورد نظر نظام است و نه یک نهاد مادی و مجموعه‌ای از حرکات بدنی.

د) در عین حال ورزش وسیله‌ای برای برومندی است و خود هدف به حساب نمی‌آید.

ه) الزام به رایگان بودن آن برای همه در تمام سطوح تأکید دیگری بر آن است که این وسیله حیاتی باید به سهل‌ترین روش برای برومندی نسل بکار گرفته شود همانگونه که آموزش و پرورش هیچ محدودیتی نباید داشته باشد.

و) از نظر قانون اساسی، ورزش به عنوان وسیله‌ای حیاتی و بنیادین با آموزش عالی از نظر اهمیت در یک سطح قرار داده نشده و به همین دلیل تکلیف دولت در باب آموزش عالی صرفاً تسهیل و تعمیم است ولی رایگان برای همه و در تمام سطوح نخواهد بود.

مبحث دوم: حقوق ورزشی در اسلام

آیات و روایات متعددی از جمله این رایث ((قو علی خدمتک جوارحی واشدد علی العزیمته جوانحی: پروردگارا اعضاء واندام مرادر طریق خدمت به خود نیرومند گردان واعصاب وافکارم رابر عزم واستواری محکم فرما)) (چهل حدیث، سید رضا تقوی، ص ۶۹)) که در اسلام راجع به ورزش و وجوب آن وجود دارد نمایانگر دیدگاه روشن شریعت در خصوص مورد است. به موازات این منابع، فقهاء در باب مسؤولیت‌های حقوقی ناشی از حوادث ورزشی نظرات پر محتوی و مستحکمی را مطرح نموده‌اند. سابقه کار به صدر اسلام می‌رسد و باب اظهار نظر همچنان مفتوح است کما اینکه فقهای معاصر نیز در پاسخ به استفتائات ورزشی به تفصیل سخن گفته‌اند. از جمله فقهایی که در باب حقوق ورزشی نظراتی ابراز داشته‌اند. ابن قدامه در المغنی، شیخ طوسی در مسبوط محمد بن ادریس حلی در سرائر، محقق حلی در شرایع الاسلام، علامه حلی در قواعد الاحکام، فاضل هندی در کشف اللثام و شیخ محمد حسن نجفی در جواهر الکلام هستند. البته با توجه به محدودیت رشته‌های ورزشی در گذشته که منحصر به تیراندازی، شنا، اسب دوانی و ... بود، فتاوی نیز از نظر کمی محدود است ولی به لحاظ کیفی قابل استناد در اغلب رشته‌های ورزشی است به عنوان مثال در باب مسؤولیت معلم شنا نسبت به حفاظت از سلامت شناگری که برای آموزش به او سپرده می‌شود بر حسب سن شناگر نظرات مختلفی ارائه شده یا در باب مسؤولیت حقوقی کسانی که به تمرین تیراندازی پرداخته و تیر به عابر اصابت می‌کند فتاوی مختلفی داده شده است. وجود چنین منابعی در حقوق اسلام ضمن اینکه قدمت موضوع را مشخص می‌نماید به اهمیت ورزش و حوادث آن نیز اشاره دارد.

مبحث سوم: حقوق ورزشی در حقوق ایران

از آغاز دوره قانونگذاری در ایران معاصر یعنی از ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۲ قانون مشخصی که در باب حوادث ورزشی به صراحت تعیین تکلیف کرده باشد وجود نداشت و حقوقدانان در راستای توجیه حوادث ناشی از عملیات ورزشی به

مبانی و اصول حقوقی متوسل شده‌اند. استاد عبدالحسین علی‌آبادی ضمن طرح بعضی نظرها که رضایت مجنی علیه را علت موجهه حوادث ورزشی می‌دانند معتقد است:

«بهترین توجیه عدم مجازات مشت زن و کلیه اشخاصی که در اثنای عملیات ورزشی مرتکب جرح می‌شوند اجازه قانون است»

حقوقدانانی که بعد از ایشان در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند نیز به اجازه قانون، آداب و رسوم اجتماعی برای موجه قلمداد کردن حوادث موصوف متوسل شده‌اند و گاه گفته‌اند که از نظر قانون ایران با توجه به اینکه موردی وجود ندارد که عرف موجب نقض قانون شود نمی‌توان استدلال‌ات فوق را پذیرفت و به نظر می‌رسد که در صورت شکایت شاکی در مورد جرح و به هر حال در صورت وقوع قتل قضیه قابل تعقیب باشد.

اما در سال ۱۳۵۲ مقنن به این اختلاف نظر پایان داد و به صراحت و به موجب ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی مقرر داشت که «حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد جرم محسوب نمی‌شود.» (دیباچه ای بر حقوق ورزشی و قواعد عمومی حقوق جزا، البرز چلبی، ص ۱۸)

در سال ۱۳۶۱ مقنن همین متن فوق را با اضافه کردن جمله (... و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد) در ماده ۳۲ قانون راجع به مجازات اسلامی مورد تأیید قرار داد. در سال ۱۳۷۰ نیز به رغم تغییراتی که در قانون مجازات اسلامی داده شد ماده ۳۲ اخیر الذکر فقط با تغییر شماره ماده به ۵۹ عیناً به تصویب رسید و در حال حاضر در مورد حوادث ناشی از عملیات ورزشی که جنبه جزائی داشته باشد مورد استناد است. اما در مورد مسئولیت مدنی حوادث ورزشی تاکنون قانون خاصی که به صراحت به ورزش اشاره‌ای داشته باشد تصویب وضع است و جبران خسارت حوادث ورزشی با استناد به قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قانون مدنی و سایر قوانین، اصول فتاوی و عرف و عادت حل و فصل می‌شود که شرح تفصیلی آن خواهد آمد.

فصل دوم: مسئولیت های ناشی از عملیات های ورزشی

گفتار اول:

مبحث اول: تعریف خطای ورزشی

مبحث دوم: مسئولیت در قانون مدنی

مبحث سوم: تحلیل حقوقی بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی

مبحث چهارم: مسئولیت در فقه

گفتار دوم:

مبحث اول: مبنای عدم مسئولیت کیفری در خطای ورزشی

مبحث دوم: رویه قضایی و نظریه ی اداره ی حقوقی

مبحث سوم: ماهیت خطاهای ورزشی

مبحث چهارم: رضایت در ورزش

نتیجه گیری، پاسخ به پرسشها، مشکلات تحقیق، پیشنهادات

گفتار اول

مبحث اول: تعریف خطای ورزشی

خطا در لغت به معنای نادرست، ضد صواب و گناهی که از روی عمد نباشد و نیز به معنای سهو و اشتباه است. (فرهنگ عمید فارسی، حسین عمید)

خطا در حقوق: وصف عملی است از صاحب تمیز که به غفلت یا ندانسته یا اشتباه یا بی مبالاتی بی احتیاطی سر بزند که مخالف قانون باشد. از مبانی حقوق مدنی ایران در ضمانات قهری آن است که خطاء دخلی در مسئولیت ندارد صرف انتساب اضرار (اتلاف تسبیبی یا اتلاف بالمباشرة) کافی است که ضررزننده را ضامن (مسئول اضرار) بدانند. در امور کیفری خطاء عبارت است از بی مبالاتی بی احتیاطی عدم رعایت مقررات دولتی و عدم مهارت (وسیط در ترمینولوژی حقوق، جعفر لنگرودی، ش ۱۶۳۴، ص ۳۳۶)

خطا عبارت است از انجام دادن کاری که شخص به حکم قرارداد یا عرف می بایست از آن پرهیز کند یا خوداری از انجام کاری که باید انجام دهد (حقوق مدنی الزام های خارج از قرار داد، ناصر کاتوزیان، ص ۲۹۶)

ولی آن چه که بایستی تعریف و تبیین شود لغت حوادث ورزشی است که در ماده ۵۹ (ق م ا) آمده است. مقنن با استعمال واژه حوادث، کلیه نتایج مجرمانه ناشی از عملیات ورزشی که به طور معمول جرم به حساب می آید را در شمول ماده ۵۹ قرار داده است. حادثه می تواند از ضرب و جرح ساده شروع و به شکستگی، نقص عضو، از کار افتادن عضو، زوال منافع، مرض دایم، فقدان یا نقص یکی از حواس یا زوال عقل و بالأخره مرگ منتهی گردد. بنابر این لغت حوادث نسبت به خطا اعم است و مصادیق بیشتری را در بر می گیرد. لذا شدت و ضعف نتیجه ی حاصله از عملیات ورزشی علی الاصول تأثیری بر جرم بودن یا نبودن آن ندارد.

در مجموعه مقررات ورزشی، بارز ترین مصداق مقررات ناظر بر خطا های ناشی از عملیات ورزشی. هر ورزش اصولاً یک مجموعه مدونی است که تحت عنوان قوانین یا مقررات تهیه و در اختیار فدراسیون یا هیأت ها قرار دارد. هرگاه ورزشکار از این قوانین در حین بازی تخلف کند و بر روی ورزشکار دیگر ایجاد حادثه ای نماید خطا خواهد بود. عبارت دیگر هر حرکت ورزشی که خطرناک، مخالف شئون ورزشی یا خلاف اخلاق ورزشی بوده نیز خطا محسوب می گردد. پس می توان گفت مراد از حوادث ورزشی تمامی جرائم و شبه جرائمی است که توسط ورزشکاران، معلمین، مربیان، مدیران، تماشاگران سازندگان و تولید کنندگان لوازم و تجهیزات و امثال آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با ورزش انجام می گیرد. موضوع این وقایع ممکن است سلامتی، جان، اموال، حیثیت، شرافت و سایر حقوق قانونی اشخاص باشد که در محدوده ورزش به نحوی حضور دارند.

مبحث دوم: قانون مسئولیت مدنی

هرگاه کسی با رفتار خود موجب لطمه به حقوق اشخاص دیگر شود اصطلاحاً می‌گوییم که مسئولیت قانونی دارد. گاهی رفتار خلاف قانونی متخلف عنوان جرم را دارا است که در این صورت نوع مسئولیت او کیفری است. در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر او مسئولیت دارد. مسئولیت لازمه داشتن اختیار است. انسان آزاد و عاقل از پیامد کارهای خویش آگاه و مسئول است. بر مبنای این مسئولیت رابطه دینی و ویژه‌های بین زیان دیده و مسئول بوجود می‌آید: زیان دیده طلبکار و مسئول بدهکار می‌شود و موضوع بدهی خسارت است که به طور معمول با دادن پول انجام می‌پذیرد. (حقوق مدنی الزام‌های خارج از قرار داد، ناصر کاتوزیان، ص ۴۸)

قوانین ورزشی را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد: ۱) گروهی که به قواعد بازیها اختصاص دارد. ۲) گروهی که مراقبتها و احتیاط ویژه‌ای را بر بازیکنان تحمیل می‌کند و هدف آنها تأمین ایمنی پرهیز از خشونت در بازیهای ورزشی است. حقوق مسئولیت مدنی به گروه دوم علاقه دارد و به مطالعه و تعیین ارزش آنها می‌پردازد و در همین گروه است که خطای ورزشی و اثر آن در روابط حقوقی مطرح می‌شود. اجرای قواعد عمومی مسئولیت در حقوق ورزشی ممکن نیست، زیرا پاره‌ای از جرائم مانند ضرب و جرح، در این زمینه مباح و گاه ممدوح است. بازیکنان، در رابطه میان خود و مربیان، پایبند قرارداد ضمنی هستند که مهمترین مشخصه آن پذیرش خطرهای متعارف ورزشی است که در اجرای قوانین ویژه بازیها رخ می‌دهد. بنابراین، معیار تعیین خطای ورزشی «رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی است که فعل زیانبار واقع می‌شود.» عامل اضطرار و دفاع مشروع را نیز باید در این شرایط به حساب آورد. تجاوز از این رفتار متعارف خطا و سبب مسئولیت مدنی است. مسئولیت خساراتی که تماشاگران مسابقه‌های ورزشی می‌بینند، اصولاً بر عهده برگزار کنندگان آن است، مگر اینکه ناشی از خطای بازیکنان یا اقدام تماشاگران باشد. مبنای این مسئولیت بر پایه تقصیر است که باید آن را کوتاهی در تأمین امنیت تماشاگران دانست. حقوق مدنی الزام‌های خارج از قرار داد، ناصر کاتوزیان، ص ۴۰۳

مسئولیت مدنی یا به موجب قرار داد است یا خارج از قرارداد. در مسئولیت قراردادی به علت عدم اجرای تعهدات و عدم وفای به عهده‌ای که ناشی از قرارداد فی مابین است یعنی فردی که به تعهدات خود عمل نمی‌نماید و به این طریق باعث ضرر به غیر می‌گردد مکلف است از عهده خساراتی که در این رهگذر حاصل گردیده برآمده و ضامن است (مسئولیت ناشی از قرارداد) به عنان مثال: یک مربی کشتی که متعهد به آموزش فنون کشتی به نوجوانان بوده و در نتیجه عدم آموزش صحیح، بی احتیاطی نوجوان مصدوم شده است مربی در برابر نوجوان و والدین وی مسئول بوده و مکلف به جبران خسارات است.

در مورد مسئولیت خارج از قرارداد که قراردادی فی مابین وجود ندارد و یکی از طرفین عمداً یا به خطا به دیگری زیان وارد کند با توجه به دستور قانون عملیات ورزشی بایستی با رعایت مقررات و موازین خاص خود اجرا شود و در

نتیجه تخلف یک ورزشکار از مقررات نقض گردیده به حکم قانون خاطی مسئول خسارات ناشی از صدمه وارده به ورزشکار یا دیگران است. (دیباچه ای بر حقوق ورزشی قواعد عمومی حقوق جزا، البرز چلبی، ص ۴۲) بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹:

« هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد ». تحقق مسئولیت مدنی موقوف به وجود شرایط ذیل می باشد:

۱- **ارتکاب عمل:** لطمه به حقوق دیگران می تواند به صورت فعل و ترک فعل باشد، فعل یعنی انجام کاری که تجلی خارجی آن به سهولت مشهود و محسوس است مثل تکل از پشت به صورت عمدی در رشته ورزشی فوتبال و یا هل دادن شناگر مبتدی به داخل آب در رشته ورزشی شنا. اما ترک فعل وقتی واقع می شود که خودداری کننده بر اساس قانون و یا قرارداد موظف به انجام کاری باشد مثلاً داور مسابقه ژیمناستیک که قبل از شروع مسابقه از بازدید دقیق اسباب معیوب خودداری می کند و ورزشکار بر اثر نقص موجود مصدوم می شود و یا در رشته شنا غریق نجات از نجات شناگری که در حال غرق شدن است خودداری نماید که در این صورت مسئول حادثه می باشد.

۲- **وجود ضرر:** ضرر می تواند به اشکال مختلف ایجاد شود می تواند از طریق صدمه جانی مانند ضرب و جرح و نقص عضو باشد و می تواند تجاوز و لطمه زدن به حیثیت شخصی مانند شایعات منکراتی در مورد سرپرست یا مدیران ورزشی و هم چنین مرییان زحمت کش و می تواند به صورت تلف نمودن و ناقص کردن اموال ورزشگاه مثل آسیب رساندن به تشک کشتی و تاتامی و وسایل بدنسازی باشد.

۳- **خلاف قانون بودن:** باید گفت که صرف انجام کاری که منجر به ضرر غیر شود موجب مسئولیت مدنی نیست بلکه عمل ارتكابی باید خلاف قانون و بدون مجوز قانونی باشد. مفهوم مخالف آن این است که ضرر و زیان ناشی از اعمال قانون موجب مسئولیت مدنی نیست به طور مثال اگر ورزشکاری با رعایت تمام مقررات ورزشی آن رشته موجب مصدوم شدن حریف شود چون عمل او بر اساس قانون بوده است و از نظر قانونی مجاز است پس مسئولیتی نخواهد داشت.

۴- **رابطه علیت:** باید بین دو عامل ضرر و فعل زیانبار رابطه علیت وجود داشته باشد یعنی این که ضرر از آن فعل ناشی شده باشد برای مثال شکستگی پای جودوکار ناشی از خطای حریف او باشد تا حریف را مسئول بدانیم. پس می توان گفت باید تمامی ۴ شرط فوق الذکر رعایت شود تا بتوان گفت شخص مسئول است در صورت فقدان یکی از شرایط فوق مسئولیت شخص مرتکب ملغی می گردد.

مبحث سوم: تحلیل حقوقی بند ۳ م ۵۹ قانون مجازات اسلامی

حوادثی که در پهنه ورزش به وقوع می‌پیوندد از جهت نتیجه، شخصیت مرتکب، زمان و مکان با یکدیگر متفاوتند و نوع مسئولیت قانونی بستگی به این ویژگی‌ها دارد. حوادث ناشی از عملیات ورزشی، تخلفات مدیریت‌ها، معایب اسباب و وسایل، اماکن معیوب اوباشگری‌های تماشاگران، درگیری‌های ورزشکاران با یکدیگر یا با داوران و غیره، موضوعاتی است که باید به طور جداگانه به آنها پرداخت در این مبحث (و به طور دقیق‌تر در این تحقیق) محور بحث حوادثی که مرتکب آن ورزشکار و محل آن، اماکن ورزشی و زمان آن در اثنای فعالیت‌های ورزشی است.

به موجب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود:

۳... حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر این که سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد.

تحلیل حقوقی این ماده مستلزم روشن ساختن عناوین ذیل است:

شخصیت مرتکب، عمل مرتکب، نتیجه حاصله، عنصر معنوی، رعایت مقررات، انطباق با موازین شرعی

۱) شخصیت مرتکب:

در بند ۳ در ماده ۵۹ اشاره صریحی به مرتکب و به عبارت دیگر به کسی که حادثه را ایجاد کرده، ننموده و فقط با ذکر «عملیات ورزشی» به طور ضمنی نظر خود را رسانده است بی‌گمان مرتکب این حادثه کسی جز ورزشکار نیست و در واقع فاعل عملیات ورزشی همان کسی است که اصطلاحاً ورزشکار گفته می‌شود. بی‌گمان منظور مقنن مفهوم خاص ورزشکار به شرح فوق نباشد به همین دلیل هم از بکار بردن واژه ورزشکار خودداری کرده است. بلکه نظر بر مفهوم عام ورزشکار داشته است و لذا هر کس که به انجام فعالیت‌های ورزشی پردازد با رعایت سایر شرایط می‌تواند از امتیاز این ماده قانونی استفاده کند. بنابراین از نظر قانون، سن، قد، وزن، میزان مهارت و هیچ شرط دیگری جز انجام فعالیت‌های ورزشی موثر در شمول ماده ۵۹ نخواهد بود. (حقوق ورزشی، حسین آقائی نیا، ص ۳۱)

بعبارت دیگر اشخاص موضوع بند ۳ ماده ۵۹ ق.م.ا. دو گروه می‌توانند باشند:

۱- ورزشکاران: مقنن در این بند از ذکر ورزشکاران به عنوان حادثه آفرینان، خودداری کرده است (یعنی) قانونگذار از آنها تعریفی به دست نداده است.

اما معیار و ضابطه تشخیص این مورد، عبارت بعدی آن یعنی «عملیات ورزشی» است که منتسب به آنها می‌باشد. لذا در صورتی که حادثه از جانب ورزشکاران ناشی نگردد از شمول ماده مزبور بیرون می‌باشد.

۲- سایر شرکت کنندگان، شرکاء، در فعالیتهای ورزشی: اینان کلیه اشخاصی هستند که به نحوی در ارتباط با حوادث ناشی از عملیات ورزشی می‌باشند که تعیین حقوق و تکالیف آنها در رابطه با حوادث ورزشی در چهارچوب بند ۳ ماده ۵۹ ق.م.ا. لازم و ضروری است:

الف - ترتیب دهندگان رقابتهای ورزشی؛

ب - سرپرستان و مربیان؛

ج - سر داوران و داوران؛

د - مقامات و مراجع عمومی؛

هـ - شرکتهای بیمه؛

و - تولید کنندگان لوازم ورزشی؛

ز - پزشک و امدادگران.

ولی به لحاظ اختصار در بحث از بیان حقوق این دسته صرفنظر می شود.

۲) عمل مرتکب:

تقریباً تمامی بار قضیه جرم نبودن اعمال موضوع بند ۳ م ۵۹ ق.م.ا. روی ورزشی بودن اعمال مرتکب است که شناسایی آن ممسک این حکم می باشد. به نظر می آید که عملیات ورزشی مزبور، هرآن فعالیت بدنی در قالب تمرین و مسابقه باشد که مطابق قواعد و مقررات و یا عرف این وصف را به خود می گیرد. بدین ترتیب از بند ۳ چنین برمی آید که جدای از آنکه این عملیات ورزشی الزاماً باید از سوی ورزشکاران صورت گیرد بلکه همچنین این عمل باید ورزشی باشد. برای ورزشی محسوب شدن عمل از نظر حقوقی، چهار شرط را می توان بر شمرد:

۱) از ناحیه ورزشکار به مفهوم عام انجام گیرد.

۲) در حین انجام فعالیتهای ورزشی باشد.

۳) عمل از نظر مقررات خاص آن ورزش در زمره حرکات ورزشی باشد.

۴) اصل آن ورزش از سوی سازمان ورزش مجاز اعلام شده باشد.

۳) رعایت مقررات:

اولین شرط برای جرم نبودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی، رعایت مقررات می باشد... واژه مقررات در این بنده از مفهوم گسترده ای برخوردار است و این گسترش و وسعت از یک سو در برگیرنده مقررات تمامی ورزشهاست و از سوی دیگر مقررات شامل تمامی ابعاد یک ورزش است. با این حال تکیه گاه اصلی قانونگذار در ایراد نقض مقررات ورزشی مربوط به حرکات فنی آن رشته ورزشی است که مسلماً خطا در این حرکات اعم از عمدی یا سهوی اگر موجب حوادثی که در قانون عنوان مجرمانه دارد، بشود، جرم می باشد. به عبارت بهتر، اگر مرتکب ضرب و جرح، رعایت قواعد مربوط به بازیهای ورزشی را نکند (مانند محدودده زمانی یا مکانی ورزش) اثر تبرئه کننده آن از بین رفته و دیگر نمی تواند به قانون و یا سنت متمسک شود.

۴) موازین شرعی در بند ۳ ماده ۵۹:

تدوین کنندگان قانون مجازات اسلامی، تعریف یا مصادیق موازین شرعی را مشخص نکرده‌اند. بدین ترتیب بر قاضی و محاکم کیفری است که چهارچوب موازین شرعی محدود کننده مقررات حاکم بر عملیات و مسابقات ورزشی را شناسایی کرده تا در برخورد با حوادث ورزشی بتواند عملیات مشروع و منطبق با موازین شرعی را تشخیص دهد و سپس در صدور حکم اقدام نماید. اسلام با آن دسته از ورزشها و رقابتهای ورزشی که مستلزم ایذاء نفس یا ایذاء غیر است مخالف است.

هر چند قانون و مقررات مخالف شریعت اسلام، به طور کلی باطل است ولی نه تمام عبارتهای قانون و مقررات بلکه تنها عبارتهای مخالف قانون و شریعت باطل می‌گردد چون مبنای بطلان، مخالفت با شرع می‌باشد.

از این گفته برمی‌آید که در مورد عدم مخالفت مقررات ورزش با موازین شرعی دو صورت قابل تصور است؛ یکی اینکه انطباق با مبانی شرعی بعضی از ورزشها کلاً حرام می‌باشند... و دیگر اینکه بعضی از مقررات ورزش در انطباق با شرع، مغایر تشخیص داده شده و باطل می‌باشند.

باید اذعان داشت عبارت «عدم مخالفت با موازین شرعی» اگر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بند ۳ ماده ۵۹ ق.م.ا. بیان نمی‌شد با عنایت به برتری اصول قانون اساسی مثل اصل چهارم، مقررات ورزشی نمی‌توانست در تعارض با موازین شرعی باشد.

از این رو، اصولاً نیازی به این تأکید و یا قید موجود نبود.

پس مراد از حوادث ناشی از عملیات ورزشی نتایجی است که از اعمال خشن ورزشی به وجود می‌آید و موجب لطمه به جسم دیگری می‌گردد و پیش‌بینی این مورد به خاطر آنست که بیشتر ورزشها در معرض چنین اقداماتی قرار دارند و قانونگذار باید مقررات آن را پیش‌بینی کند.

یکی از شرایط عملیات ورزشی آن است که در عرف ورزشی مورد قبول قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده باشد زیرا عبارت «مقررات مربوط به آن» حکایت از آن دارد که باید جزء ورزشهایی باشد که دارای مقررات است و تا ورزشی به رسمیت شناخته نشده باشد مقرراتی هم در مورد آن وضع نمی‌گردد. البته منظور از مقررات این نیست که چنین مقرراتی باید به صورت مکتوب و مصوب از سوی مرجع خاصی باشد بلکه باید به عرف ورزشکاران حرفه‌ای آن رشته ورزشی نیز توجه داشت بنابراین لازم نیست که رشته ورزشی تحت نظارت و سازمان خاصی باشد.

گرچه در ماده ۵۹ تصریحی وجود ندارد اما عملیات ورزشی در صورتی علت موجه جرم است که اعمال خشونت آمیز در حین ورزش رخ داده باشد و عبارت (ناشی از عملیات ورزشی) بیانگر این شرط است زیرا ناشی شدن حادثه از عملیات ورزشی در بردارنده همین معناست پس اگر اعمال خشن قبل از عملیات ورزشی یا بعد از آن باشد مرتکب نمی‌تواند به ماده ۵۹ استناد کند.

عبارت (نقض مقررات مربوط به آن ورزش) بیانگر یکی دیگر از شرایط عملیات ورزشی است و آن، عدم خروج مرتکب از اهداف و مقررات ورزشی است بنابراین اگر مرتکب با هدف عمدی صدمه زدن به دیگری مرتکب عمل خشونت‌آمیز شود مجازات جرم عمدی را در پی دارد و اگر به صورت غیرعمدی مرتکب آن شده باشد تابع مقررات جرایم غیرعمدی خواهد بود.

یکی از شرایط عملیات ورزشی آن است که مجنی علیه با رضایت خود در عملیات ورزشی شرکت کرده باشد زیرا گرچه در متن ماده بیان نشده است ولی اگر رضایت نباشد معنای ورزش تحقق پیدا نمی‌کند. نتیجه آنکه در صورتی شخص ورزشکار می‌تواند از معافیت برخوردار شود که اولاً، مقررات ورزش مربوط برخلاف موازین شرعی نباشد برای مثال به نظر می‌رسد ورزش‌هایی مثل مشت‌زنی حرفه‌ای، کشتی کج و نظایر آنها خلاف شرع می‌باشند و در نتیجه حوادثی که در جریان این ورزش‌ها حتی با رعایت مقررات مربوط به آن ورزش، رخ دهد ضمان‌آور خواهد بود. ثانیاً، ورزشکار باید مقررات آن رشته را مراعات کرده نه اینکه مثلاً در ورزش کشتی یا فوتبال با مشت به بینی ورزشکار طرف مقابل زده یا با لگد به داور حمله کرده باشد! همین طور صرف رضایت طرفین در درگیری‌هایی که خارج از قلمرو ورزش‌های شناخته شده (مثل مشت‌زنی و کشتی) در معابر و یا مکان‌های عمومی یا خصوصی رخ می‌دهد رافع مسئولیت مدنی و کیفری مرتکبان نخواهد بود. این نکته در یکی از دعاوی انگلیسی در سال ۱۹۱۸ نیز مورد تأکید دادگاه قرار گرفت.

مبحث چهارم: مسئولیت در فقه

ضمان ناشی از عملیات ورزشی و تعلیم ورزش در فقه سابقه طولانی دارد. رشته‌های ورزشی در گذشته عمدتاً شامل تیراندازی، اسب سواری و شنا بوده و نظرات فقهی نیز بیشتر حول و حوش همین موارد است. وجود این سابقه طولانی در فقه مؤید چند نکته است: اولاً، اهمیت ورزش و توجه به حوادث ناشی از آن ثانیاً، قدمت این سوابق گرانها که ما را در مقابل نظام‌های حقوقی بیگانه مباهی و مفتخر می‌سازد و در عین حال هشدار می‌دهد است که نباید صرفاً به افتخارات گذشته به عنوان تاربخچه دل خوش داشت. بلکه وظیفه ما باید تلاش در جهت تکامل کمی و کیفی آنها باشد و نه صرف نقل آنها.

در قاعده اقدام که قاعده ای فقهی است: هر کس به ضرر خود نسبت به مال، جان خود اقدامی کند در مورد اقدام او کسی به نفع او ضمان قهری یا مسئولیت مدنی ندارد (قواعد فقهیه، آیت الله بجنوردی، ج ۱، ص ۷۵) بنابراین این قاعده هر کس با رضایت وبدون اکراه یا تهدید اقدام به عملی کند و در حین یا بعد از انجام آن مضروب شود هیچ کس ضامن نیست مگر در صورت تعدی و تغریب. به عنوان نمونه موارد ذیل را می‌توان نام برد:

نمونه ۱: اذا مر رجل بين الرماه و بين الهدف فاصابه سهم من الرماه فهو خطا لان الرامى ما قصده و انما قصد الهدف.

هرگاه شخص در محل مسابقه تیراندازی از فاصله میان مسیر تیر و هدف عبور کند و مورد اصابت تیر قرار گیرد و کشته شود این قتل خطائی محسوب می گردد زیرا تیرانداز، قصد او نکرده بلکه مقصود او هدف بوده است .
(مبسوط، شیخ طوسی، ج ۷، ص ۱۸۹)

نمونه ۲: و اذا مر رجل بين الرماه و بين الغرض فاصابه سهم و قد حذره الرامى لم يضمن و ان لم يحذره و كان فى ملكه قد دخل عليه به غير اذنه فكذلك و ان دخل عليه باذنه او كان فى غير ملكه و لم يحذره كانت دينه على عاقلته هرگاه شخص در محل مسابقه از فاصله میان تیراندازان و هدف عبور کند و مورد اصابت تیر قرار گیرد چنانچه تیرانداز هشدار داده باشد مطلقاً ضامن نیست ولی اگر هشدار نداده باشد در فرض آنکه محل در مالکیت تیر انداز بوده و مصدوم بدون اجازه وی وارد شده باز هم ضامن نیست و چنانچه مصدوم با اجازه وی وارد شده و یا محل ملک تیرانداز نبوده و هشدار نداده است ضمان بر عاقله وی مقرر خواهد بود. (الوسيله الى نيل الفضيله، محمد بن على بن حمزه طوسی)

نمونه ۳: (اذا قال حذار لم يضمن لما روى ۰۰۰) اگر تیرانداز گفته باشد (حذار: بپرهیز) ضامن نخواهد بود و به همین مقدار بسنده نمود، و به ذکر مستند فتوی پرداخته است. (شرايع الاسلام، محقق حلی ج ۳، ص ۲۵۱)
نمونه ۴: و لو اجتاز على الرماه فاصابه احدهم بسهم فان قصد فهو غير و الا فخطاء و لو ثبت انه قال حذر لم يضمن ان سمع المرمى و لم يعدل مع امكانه

اگر ثابت گردد که رامی گفته است: (حذار: بپرهیز) و مصدوم شنیده است و با فرض امکان فرار، اقدام به فرار ننموده است ضامن نمی باشد. (قواعد الاحکام، علامه حلی،)

نمونه ۵: و ان سلم ولده الصغير الى السابح ليعلمه السباحة فغرق فالضمان على عاقله السابح لانه سلمه اليه ليحتاط فى حفظه، فاذا غرق نسب الى التفريط فى حفظه

و اگر تسلیم کند فرزند صغیر خود را به معلم شنا (شناگر) تا بیاموزد او را شنا، سپس طفل غرق شود ضمان بر عهده عاقله معلم شنا است زیرا که ولی، طفل را به او تحویل داده است تا در نگهداری طفل احتیاط کند بنابراین اگر غرق شود این غرق مستند است به تقصیر معلم شنا در نگهداری طفل، اما قاضی قائل شده است به اینکه مقتضای قیاس در مذهب، این است که معلم شنا ضامن دیه نفس نیست زیرا که این فعلی است که عادت و عرف بر آن جاری شده است برای مصلحت خود طفل بنابراین اگر به واسطه شنا تلف شود ضامن نیست همانگونه که اگر معلم کودک را در حد متعارف بزند سپس طفل بواسطه این ضرب تلف شود ضامن نیست (و قال القاضی، قیاس المذهب ان لا یضمنه لانه فعل ماجرت العاده به لمصلحته فلم یضمن ما تلف به کما اذا ضربه المعلم الصبى ضرباً معتاداً فتلف به - فاما الکبیر اذا غرق فلیس على السابح شیء اذا لم یفرط لان الکبیر فى ید نفسه لا ینسب التفريط فى هلاکة الی غیر).
اما در مورد شخص بالغ، اگر غرق شود بر معلم شنا چیزی نیست آنگاه که تفريط نکرده باشد زیرا که اختیار بالغ در دست خود اوست و تفريط در هلاکک بالغ علی القاعده به غیر نسبت داده نمی شود. (المغنی، ابن قدامه، ج ۹، ص ۵۷۸)

نمونه ۶: اذا مرَّ بين الرماء في مكان مباح له المرور فيه فاصابه سهم احدهم مثلاً فالديه على عاقله الرامى بلا خلاف اجده بين من تعرض له كالفاضلين و الشهداءين و غيرهم يكونه مخطئاً و فى قصده و الا كان عليه القود او الديه فيماله كما عرضه مكرراً نعم لو ثبت انه قال: خدای و سمع المارّ و كان متكمنناً من العدول لم يضمن العاقله بلا خلاف اجده ايضاً لما روى ان صيباً دق رباعيته صاحب بخره فرفع الى على(ع) فاقام بينه انه قال: خدای، فدرا عنه القصاص، و قال (قد اعذر من حذر)

اگر کسی عبور کند از میان تیراندازان در مکانی که برای آن عابر حق عبور وجود داشته باشد سپس تیر یکی از آنان به عنوان مثال به او اصابت کند دیه بر عهده عاقله تیرانداز است بدون آنکه خلاف آن را بیابم. بین کسانی که متعرض این مسأله شده‌اند مانند محقق حلی و علامه حلی و شهیدین و دیگران زیرا که تیرانداز در فعل خود و قصد خود خطا کرده است و گرنه قصاص یا دیه از مال خودش بر عهده او خواهد بود. چنانکه کراراً دانستیم. آری اگر ثابت شود که او هشدار داده است و عابر آن را شنیده و امکان بازگشت داشته است عاقله ضامن نیست بی آنکه خلافتی بیابم به دلیل آنچه روایت شده است که کودکی دندان کودک دیگری را در پرتاب تیر... شکسته بود نزد حضرت علی(ع) مرافعه شد و آن صغیر بینه اقامه کرد که هشدار داده است حضرت علی(ع) قصاص را از او برداشت و فرمود کسی که هشداردهد از مجازات معاف است. (جواهر الکلام، شیخ محمد حسین نجفی، ج ۴۲، ص ۶۸ کتاب دیات)

گفتار دوم

مبحث اول: مبنای عدم مسئولیت کیفری در خطای ورزشی

توجهات حقوقی در باب جرم نبودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی:

هر یک از علمای حقوق در تحلیل چگونگی جرم نبودن حوادث ورزشی نظراتی را ابراز داشته‌اند این نظرات در سه دسته عنوان شده است:

الف - نظریه مبتنی بر عدم وجود قصد مجرمانه: بر اساس این نظریه حوادث ورزشی ناشی از اجرای ورزشهای خشن به لحاظ فقدان قصد مجرمانه، غیر قابل مجازات می‌باشد.

ب - نظریه مبتنی بر رضایت مجنی علیه: مطابق این نظریه مبنای معافیت از مجازات در اجرای ورزشهای خشن که به ضرب و جرح منجر شده، رضایت مجنی علیه می‌باشد. رضایت همراه آگاهی از حوادث قابل پیش‌بینی افرادی که در آن ورزش مشارکت دارند نیز مبنای توجیه عملیات ورزشی قرار گرفته است.

ج - نظریه مبتنی بر اجازه قانون: در پی ایرادات وارده بر دو نظریه پیشین، عده زیادی اخیراً عقیده دارند که جرم نبودن حوادث ورزشی مستند به اجازه قانون می‌باشد. وضع شرکت کننده در مسابقه ورزشی، همچون حال کسی است که در وضع اضطراری باید به سرعت تصمیم بگیرد و از خود دفاع نماید؛ سپس باید دید آیا تصمیمی که او در آن شرایط می‌گیرد با تصمیم متعارف رقیبی که در همان ورزش گرفته می‌شود متناسب آن یا مخالف با آن است؟

مسئولیت مدنی، ویژه موردی است که کار زیانبار با آن معیار مخالف باشد و تجاوز به قواعد بازی و سوء استفاده از رقابت سالم به حساب آید. این استدلال سبب آن می‌گردد که در مواقع اضطراری و مواردی که اخذ سریع تصمیم در آن حالت ضرورت دارد، بسیاری از لغزشها و اشتباهات را مباح و قابل اغماض می‌کند و از گسترش تقصیرهای ورزشی می‌کاهد.

مبنای مشروعیت حوادث ناشی از عملیات ورزشی را باید مستند به قانون دانست که براساس آن حوادث و اعمالی که با رعایت مقررات آن ورزش واقع می‌شوند را نمی‌توان جرم و قابل تعقیب و مجازات دانست. البته نظریه مورد پذیرش در حقوق ایران، با توجه اجماع موجود در دکترین حقوقی کشورمان، نظریه سوم می‌باشد. لازم به یادآوری است که مباحث تفصیلی در این خصوص در کتاب مسئولیت مدنی دکتر کاتوزیان در ذیل مبحث خطای ورزشی آمده است که عزیزان را به آنجا ارجاع می‌دهم.

مبحث دوم: رویه قضایی و نظریه اداره حقوقی

دادنامه شماره ۱۶۷۸ - ۷۷/۹/۲۲ شعبه ۱۱۰۲ دادگاه عمومی تهران اشعار می‌دارد:

آنچه مسلم است در ورزشهای رزمی وارد ساختن ضربات مختلف جزء اصول آن می‌باشد و دادگاه برای روشن شدن این موضوع که آیا ضربه به صورت صحیح و در چارچوب ضوابط ورزش تکواندو وارد شده یا خیر؟ مبادرت به جلب نظر کارشناسان فدراسیون تکواندو طی گزارش مسبوطی به شماره ... عملکرد مربی، آقای... را متعارف و مطابق مقررات ورزشی تکواندو اعلام نموده‌اند... بنا به مراتب، توجهاً به اظهارات شاکیه خانم ... مادر مرحوم ... و آقایان مسؤول وقت مجموعه ورزشی ... و آقای ... مربی ورزشی تکواندو و اظهارات تعدادی از هنر آموزان ورزش مذکور که ناظر به صحنه بوده‌اند و همچنین نظریه کارشناسان فدراسیون تکواندو و پزشکی قانونی، دادگاه حادثه مذکور را در چارچوب ضوابط ورزشی تکواندو دانسته و عمل غیرمتعارفی را متصور نمی‌داند و بنا بر قاعده برائت الذمه به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکم به برائت آقای مربی و آقای مدیر وقت باشگاه ورزشی ... صادر و اعلام می‌نماید.

پس با توجه به رأی فوق که از نظر گذشت، اگر ضربات مطابق قانون آن ورزش باشد مسئولیت کیفری متوجه او نخواهد بود.

در یکی از نظرات اداره حقوقی آمده است:

شکستگی استخوان در مسابقه کشتی دیه دارد و تشخیص عمدی و غیرعمدی بودن ایراد صدمه با مرجع رسیدگی کننده است. (برگرفته از نظریه ۷/۴۴۱۳ - ۶۷/۶/۳۰ اداره حقوقی) (محشاء قانون مجازات اسلامی، ایرج گلدوزیان، ص ۹۱)

سؤالی که در اینجا به ذهن می‌رسد اینست که اگر مقررات ورزشی رعایت گردد چرا شخص بایستی دیه بپردازد؟ آیا با عدم مسئولیت کیفری در خصوص این مورد، منافات ندارد؟
جوابی که می‌توان بدین سؤال داد اینست که اختلاط و یگانگی مسئولیت مدنی و کیفری در دیه حاصل می‌شود یعنی شخص خاطی از لحاظ مسئولیت کیفری، مسئولیتی ندارد لکن به لحاظ مسئولیت مدنی، دیه بر عهده اوست به عبارت دیگر دیه ماهیتی دو گانه دارد و از سوی خاطی بایستی دیه پرداخت.

مبحث سوم: ماهیت و ویژگیهای خطای ورزشی

۱- آیا آنچه عرف حرفه‌ای و تصمیم فدراسیونهای ورزشی خط اعلام می‌کند، در دادگاه نیز تقصیر و سبب ضمان است؟

۲- آیا می‌توان گفت بازیکنی که قواعد بازی را رعایت کرده است، تقصیری مرتکب نشده و ضمانی بر عهده ندارد؟

در مورد نخستین پرسش، پاسخ عمومی این است که تجاوز به قواعد بازی و رعایت نکردن احتیاطهای لازم از نظر حقوقی نیز تقصیر است، زیرا ورزشکار معقول و متعارف، چنین رفتاری ندارد به همین جهت گفته شده است که تقصیر ورزشی را در دید نخست باید به تجاوز از قواعد ویژه آن بازی تعبیر کرد. از مفهوم مخالف بند ۳ م ۵۹ قانون مجازات اسلامی چنین برمی‌آید که نقض مقررات ورزش تقصیر است. در این بند در زمره اعمالی که جرم نیست می‌خوانیم:

«حوادث ناشی از عملیات ورزشی، مشروط بر اینکه سبب آن حوادث و نقض مقررات مربوط به آن ورزش بنا شد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد» منطوق این حکم، اعتبار مقررات ورزشی را در اعمالی که بر طبق قواعد عمومی جرم است تأیید می‌کند و رعایت مقررات ورزشی را سبب برائت مرتکب می‌داند ولی از مفهوم مخالف آن استفاده می‌شود که نقض مقررات موضوع را تابع قواعد عمومی می‌کند. پس، باید گفت مُشتی که به خطا در ورزش بوکس زده می‌شود ایراد ضرب و جرح و تقصیر است. این حکم ناظر به امور کیفری است نه مسئولیت مدنی ولی از ملاک آن در ضمان مالی نیز می‌توان استفاده کرد و اختلاط مسئولیتهای مدنی و کیفری در آن قانون، امکان استفاده پیشنهاد شده را تأیید می‌کند با وجود این، همان گونه که گفته شده قدرت عرف بسیاری از خطاها را قابل اغماض می‌کند و تنها تقصیرهای عمری و سنگین را ضمان آور می‌بیند.

ولی تردیدها در پاسخ به پرسش دوم شدیدتر است و بسیاری از نویسندگان تأیید کرده‌اند که دادگاه پای بند به قواعد بازی نیست: به بیان دیگر، هر چند قوانین ورزشی همیشه به عنوان راهنما مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما الزامی برای دادگاه ایجاد نمی‌کند و آنچه در عرف بازی مشروع است همیشه در دید حقوق مباح نیست و دادگاه می‌تواند، بر پایه و هدف اجتماعی و اخلاقی آن ورزش حرکتی را خطا و سبب ضمان شمارد. به ویژه در مواردی که نتیجه

فعل زیانبار شدید باشد (مانند مرگ و نابینایی و فلج دائمی، دادگاهها به طور معمول سخت گیرند و از آن معیار قابل انعطاف (یعنی رفتار ورزشکار معقول و متعارف) برای رسیدن به عدالت استفاده می کنند). حقوق مدنی الزام های خارج از قرار داد، ناصر کاتوزیان، ص ۴۱۰)

مبحث چهارم: رضایت ورزشکار

از نظر حقوقی رضایت مجنی علیه اصولاً تأثیری در مجرمیت مرتکب ندارد ولی در موارد استثنائی رضایت مجنی علیه ممکن است موجب زوال وصف مجرمانه و عدم تحقق جرم، تخفیف مجازات یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات شود و بدون تردید رضایت ورزشکار به مشارکت در فعالیت ورزشی به معنای قبول خطرات و نتایج زیان بار متعارف در ورزش است. قبول رضایت به عنوان یکی از مبانی موجه دانستن حوادث ناشی از عملیات ورزشی به منظور ایجاد انگیزه در میلیونها جوان برای روی آوردن به ورزش بوده و مقنن با علم به این که حادثه با ورزش قابل تفکیک نیست و حتی به رغم رعایت همه موازین و مقررات باز ممکن است صدمه ای محقق شود با شجاعت و بینشی بسیار متعالی حساب ورزش را از همه امور جدا ساخته و حوادث آن را جرم محسوب نمی کند. در عین حال می خواهد بگوید که ورزش یک فعالیت مبتنی بر تمایل است و هیچ اکراه و اجباری در آن نیست. کاردوزو یکی از بزرگترین حقوقدانان امریکا در یک ضرب المثل همین دیدگاه را به بیانی دیگر گفته است که ((ترسو می تواند در خانه بماند)) (مبانی حقوقی ورزشها، والتر تی جامیون جنیور، ترجمه حسین آقایی نیا، ص ۱۹) و مفهوم مخالف آن این است که در صورت در فعالیت ورزشی علی الاصول نخواهد توانست به نتایج زیان باری که در چهارچوب مقررات حاصل شده باشد اعتراض کند. این پدیده غالب و متعلق به زمانهای گذشته به نحو مطلوبی در سال ۱۹۶۲ توسط دیوان عالی ایالت ارگان موضوع حکم قرار گرفت: ((فوتبال (منظور فوتبال امریکایی) ورزشی همراه با درگیری بدنی است. اقتضای آن درگیر شدن مستمر و مکرر بازیکنان با قدرت هر چه بیشتر استدرگیری بدنی کوفتگی و شکستگی و قابع اجتناب ناپذیر بازی فوتبال است بازیکنان باید خطر، ضربات، شکستگی و صدمات آن را با رضایت پذیرا باشند)) (مبانی حقوقی ورزشها، والتر تی جامیون جنیور، ترجمه حسین آقایی نیا، ص ۱۹) استناد به قاعده اقدام که یکی از قواعد فقهی است در این مورد نیز مقبول است. معنای این قاعده چنان که از نامش پیدا است که کسی با علم قصد و رضاضرر یا ضمانی را بپذیرد هیچ کس ضامن نخواهد بود. (قواعد فقه، ابولحسن محمدی، ص ۲۰۴)

بنابراین زیان دیده از عملیات ورزشی اعم از حریف، تماشاگر یا غیر با شرکت در بازی یا ورود به جایگاه صدمات و خسارت ناشی از عملیات ورزشی در چهارچوب مقررات را پذیرفته است و نمی تواند برای جبران خسارات وارده به دیگری رجوع کند. قبول خطر و اقدام و رضای زیان دیده و شرکت او در فعل زیان بار داوری عموم و به دنبال آن حربه قانون را کند می سازد. مگر نه این است که ضرب و جرح به عمد جرم نابخشودنی است؛ پس چرا با پای خود به

میدان می رود و با دنده ای شکسته ودستی وبال برگردن بیرون می آید. گویی جبران به ارضای غرور می کند شگفت آنکه دادگاه به شکایت او به دیده تحقیر می نگرد و روی آن را بازمی گرداند تا عهد شکنی را پاداش ندهد (مسئولیت مدنی، ناصر کاتوزان، ص ۳۹۶)

نتیجه گیری:

از مطالبی که در فصول گذشته گفته شد این نتیجه بدست می آید که در صورتی که در ورزش، مقررات مربوط به آن رعایت شود و آن مقررات هم برخلاف موازین شرعی نباشد و خطایی بر روی ورزشکار دیگر حادث شود، مسئولیت کیفری نخواهد بود با این حال مسئولیت مدنی در هیچ صورتی از بین نخواهد رفت و همچنان پا برجا خواهد بود.

پاسخ به پرسشهای تحقیق:

آیا خطای ورزشکاران در حین عملیات ورزشی دارای مسئولیت کیفری و مدنی می باشد؟
بر اساس بند ۳ ماده ۵۹ ق.م.ا. که مقرر می دارد: اعمال زیر جرم محسوب نمی شود:

1-.....

2-.....

3- حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد
در عملیات ورزشی، مسئولیت کیفری با رعایت شرایط مندرج در این بند وجود نخواهد داشت ولی دلیلی وجود ندارد که مسئولیت مدنی را از عهده چنین شخصی خارج کنیم بلکه اگر ارکان مسئولیت مدنی در او وجود داشته باشد طبق مواد مندرج در قانون مسئولیت مدنی او مسئول خواهد بود.

س ۱- آیا مسئولیت مدنی و کیفری در خطای ورزشی اختلاط و یگانگی پیدا نمی کند؟

جواب: در صورتی که خطای ورزشکار منجر به ضرب و جرح شود و ضارب مجبور به پرداخت دیه گردد، مسئولیت مدنی و کیفری اختلاط و یگانگی پیدا می کنند.

س ۲- در صورتی که ورزشکار مصدوم، مدتی از ورزش دور بماند و چون ورزش شغل او محسوب می شود از درآمد آن محروم شود آیا ورزشکار خاطی باید این ضرر را جبران کند؟
جواب: در این خصوص بر طبق مواد قانون مسئولیت مدنی رفتار می شود.

س ۳- در صورتی که هزینه های بیمارستان و دارو و ... بیشتر از میزان دیه باشد آیا مبلغی بیش از دیه بر عهده ورزشکار خاطی است؟

جواب: آنچه که فقهاء عظام می فرمایند چیزی بیش از دیه نیست.

ولی قانون مسئولیت مدنی در ماده ۶ آن را تأیید می‌کند که علاوه بر دیه هزینه‌های دیگر حتی هزینه نگهداری، معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کارکردن را نیز جزء زیان محسوب داشته و مصدوم می‌تواند آن را هم مطالبه بنماید.

مشکلات تحقیق:

مشکل اول در این تحقیق، کلی بودن آن است چرا که هیچ یک از حقوقدانان مورد به مورد بحث نکرده و بطور صریح به نظریه پردازی پرداخته‌اند.

مشکل رویه قضایی در این خصوص نیز به سختی و به بیان بهتر نایاب بود به گونه‌ای که فقط به یک رأی دسترسی پیدا شد.

مشکل دیگر در این موضوع، آنست که محققین و اساتید حقوق، موارد جنبی و مربوط به بحث خطاهای ورزشی را اصلاً بحث نکرده‌اند. و نیز کتابها و مقالات در این خصوص کم، کلی و ناقص به بحث پرداخته‌اند.

پیشنهادات:

(۱) در تحقیق‌های آینده، مجموعه قوانین مورد بررسی دقیق قرار گرفته و مواد و مقرراتی که مخالف موازین شرعی است معلوم گردد.

(۲) بطور جزئی و دقیق به موضوع پرداخته شود.

(۳) رویه قضایی در خصوص خطاهای ورزشی در نوشته‌های تدوین گردد.

(۴) موارد جانبی و مربوط به این بحث بطور دقیق و صریح مورد کنکاش و بررسی قرار گیرند.

بخش ضمیمه

- فرم گزارش حادثه
- حکمیت در اختلافات ورزشی
- الگوی کلی برای خسارات مالی
- مثالی برای ارزیابی یک خسارت مالی
- جدول
- منابع و مآخذ

فرم گزارش حادثه

- 1- مشخصات مصدوم: نام: نام خانوادگی: آدرس:
- 2- مشخصات ظاهری: رنگ مو: رنگ چشم: قد: وزن (به طور تقریب)
- 3- آدرس محل حادثه: شهرستان: خیابان: کوچه: شماره:
- 4- نام محل حادثه: مکان آموزشی: (دانشگاه دبیرستان مدرسه راهنمایی دبستان) باشگاه: ورزشگاه: استخر: اردو: غیره:
- 5- زمان وقوع حادثه: ساعت: روز: ماه: سال:
- 6- مشخصات مربی یا سرپرست حاضر در محل حادثه:
- 7- نوع صدمه: مرگ: شکستگی اعضا: خفگی: اغماء:
- استفراغ: دررفتگی: پارگی و خون ریزی: تورم:
- ضربه مغزی: (عضو مصدوم نام برده شود)
- 8- چه کسانی در لحظه وقوع حادثه در محل شاهد بوده اند؟
- 9- چگونگی وقوع حادثه اختصاراً توضیح داده شود
- 10- در صورتی که حادثه بر اثر نقص تجهیزات، لوازم، زمین، وسایل شخصی و غیره بوده است، توضیح داده شود
- 11- آیا پس از وقوع حادثه کمک های اولیه اعمال شده است یا خیر؟ به چه میزان و توسط چه اشخاصی؟
- 12- در صورتی که مصدوم به مرکز درمانی منتقل گردیده پس از چه مدت زمانی از لحظه وقوع حادثه این انتقال صورت گرفته است
- 13- مصدوم با چه وسیله ای به مرکز درمانی منتقل شده است:
- آمبولانس: اتومبیل: سایر وسایل:
- 14- نحوه انتقال مصدوم از محل حادثه به داخل آمبولانس، وسیله دیگر:
- برانکارد: گرفتن دست و پاها: انداختن روی دوش: با پای خود:
- 15- میزان تقریبی خسارت مالی و مشخصات اشیاء زیان دیده
- 16- توضیحات اضافی:
- مشخصات تنظیم کننده گزارش امضاء تاریخ
- مشخصات رئیس یا سرپرست محل حادثه امضاء تاریخ

حکمت در ورزش

دیوان حکمت در ورزش نهادی مستقل است و به هیچ یک از سازمان های ورزشی وابسته نیست این دیوان در سال ۱۹۸۳ تاسیس شد هدف آنان ارائه وسیله ای به طرفین دعوی برای حل و فصل اختلافات که به نیازهای ویژه جهان ورزش مربوط می شود این دادگاه ۱۵۰ نفر حکم از ۳۷ نفر از کشور را دادر که براساس آگاهی های تخصصی آن ها از حکمت و حقوق ورزشی انتخاب شده اند بین سال های ۱۹۹۱ تا ۱۹۵۵ بیش از ۱۰۰ پرونده به این دیوان ارسال شد . دیوان حکمت ورزشی از نظر اجرای و مالی تحت نظر شورای بین المللی داوری در ورزش است.

وظایف این دیوان چیست:

این دیوان وظیفه رسیدگی به اختلافات قانونی ناشی از ورزش را بر عهده دارد که براساس صدور رای حکمت اصولاً قدرت اجرایی آن مشابه احکام دادگاه های عادی است به حل و فصل آن ها می پردازد همانند تمامی موارد حکمت ارجاع امر به این دیوان براساس توافق کتبی طرفین به قبول حل و فصل اختلافات آن هاست.

مقر دیوان در کجاست:

دفتر مرکزی دیوان در لوزان سوئیس قرار دارد از سال ۱۹۹۶ دو دادگاه دیگر به صورت غیرمتمرکز در سیدنی استرالیا و دیگری در دنور ایالات متحده تاسیس شد و در دسترس طرفین قرار گرفته است دیوان همچنین دادگاه های موقتی در موقعیت های مانند بازی های المپیک راه اندازی می کند که با توجه به شرایط چنین رویدادهای مقررات ویژه ای نیز وضع می شود از آن جمله الزام به رای در مدت ۲۴ ساعت است همانطور که در بازیهای آتلانتا در ۱۹۹۶ شاهد بودیم.

چه نوع اختلافاتی قابل ارجاع به دیوان است:

هر اختلافی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ورزش مربوط می شود اعم از اینکه تجاری یا در رابطه با اجرای یا پیشرفت ورزش باشد مانند اختلاف در مورد قرارداد، سرپرستی و یا اختلاف ناشی از تصمیم یک سازمان ورزشی که قابل ارجاع به دیوان حکمت باشد.

چه کسی می تواند به دیوان مراجعه کند:

هر شخص حقیقی یا حقوقی که اهلیت انتفاع داشته باشد می تواند از خدمات دیوان استفاده کند برای مثال یک قهرمان باشگاه، اتحادیه یا فدراسیون ها و ...

دیوان تحت چه شرایطی مداخله خواهد کرد:

لازمه پذیرش اختلاف از سوی دیوانبرای حکمیت توافق کتبی طرفین در خصوص مورد چنین توافقی ممکن است به صورت موردی باشد یا در شکل یک قرارداد یا قوانین یا مقررات یک سازمان ورزشی مطرح شود. طرفین دعوی حتی می توانند از پیش هر گونه آتی را به منظور حکمیت به دیوان ارسال کنند. آن ها همچنین در صورت بروز اختلافات می تواند برای استمداد خدمات دیوان توافق کنند.

روش های اعمال حکمیت در دیوان چیست:

در مورد اختلافات ناشی از روابط قراردادی یا مسئولیت مدنی روش رسیدگی عادی قابل اعمال است و برای دعاوی ناشی از تصمیمات فدراسیون ها یا اتحادیه های ورزشی نوع پژوهش اعمال می شود یک رویه مشورتی نیز وجود دارد که به بعضی اجازه داده می شود تا از نظر مشورتی دیوان را در خصوص هر موضوع قانونی مربوط به تمرین و پیشرفت ورزش یا هر فعالیت مربوط به ورزش را که متنازع فیه نباشد تقاضا کند نظرات مشورتی دیوان رای به حساب نمی آید و الزام آور نخواهد بود.

زبان های مورد استفاده در دیوان حکمیت چیست:

زبان های مورد استفاده برای اعمال حکمیت فرانسه و انگلیسی است ولی تحت شرایط خاص زبان دیگری نیز ممکن است به کار رود.

اشخاص چگونه می توانند پرونده ای را به دیوان ارجاع دهند و حکمیت نسبت به آن را به جریان اندازند. طرفی که تمایل دارد اختلافات را به دیوان ارجاع دهد باید به درخواست حکمیت خود را به دفتر دیوان بفرستد. (روش رسیدگی عادی) و یا تقاضای رسیدگی پژوهشی کند البته متن هر دو مورد باید به عنوان قانون حکمیت هر دو ورزش مشخص شده باشد. روش پژوهش خواهی در صورتی از طرف متقاضی پذیرفته می شود که تمامی راه حل های داخلی اتحادیه و فدراسیون ها را پیموده باشد.

آیا می توان به کسی جهت حضور در جریان رسیدگی نمایندگی داد:

طرفین دعوی می توانند جهت حضور در جلسات رسیدگی دیوان نسبت به انتخاب نماینده یا کمکی اقدام کنند و حتما لازم نیست که وی وکیل دادگستری باشد.

حکم ها چگونه گزینش می شوند:

به طور کلی حکمیت به جمع سه نفری از حکم ها ارسال می شود در این شکل هر یک از طرفین دعوی حکمی را از بین صورت اسامی دیوان انتخاب می کند و سپس حکم ها منتخب حکم سومی برمیگزینند که وی به عنوان رئیس جمع اقدام می کنند با وجود این در صورت تراضی طرفین دعوی و یا اگر دیوان به مصلحت تشخیص دهد حکم واحدی انتخاب خواهد شد که البته بستگی به ماهیت و اهمیت دعوی دارد.

روش کار دیوان حکمیت به طور کلی چگونه است

در مرحله اول درخواست حکمیت یا پژوهشگاهی ثبت می شود و خواند پاسخی به دیوتان ارائه می دهد. پس از تبادل اظهارات طرفین جهت گرفتن مدارک ومدافعات شفاهی به جاسه دادرسی اظهار می شوند. بر طبق اصول، تصمیم نهایی ورای صادره چند هفته بعد به طرفین ابلاغ می شود

کدام قانون ازسوی حکم ها اعمال می شود:

در شرایط حکمیت عادی طرفین دعا مجاز بهتوافق در مورد تعیین قانون قابل اعمال با عنایت به ماهیت اختلاف خواهد بود در صورت عدم توافق قانون سوئیس به مورد اجرا در خواهد آمد. در شرایط رسیدگی پژوهشی حکمها براساس مقررات فدراسیونها یا اتحادیه های که بامورد پژوهشی مربوط باشد به صدور را اقدام می کنند

هزینه حکمیت دیوان چگونه است:

در روش رسیدگی عادی متضمن پرداخت هزینه هاودستمزد های حکم هااستکه بر مبنای ظوابط ثابتی تعیین و سپس سهم دیوان به آن اضافه می شود. در رسیدگی پژوهشی رایگان است البته به استثنای هزینه اولیه دفتر دیوان که بالغ بر ۵۰۰ فرانک سوئیس می شود.

آیا رسیدگی محرمانه است:

رویه حکمیت عادی محرمانه است. در رسیدگی پژوهشی بر مقررات خاص محرمانه بودن تصریح ندارد ولی حکم هاو کارکنان دیوان موظف به محرمانه نگه داشتن مطالب هستند.

آثار رای صادره از سوی دیوان چیست:

رای دیوان حکمیت از زمان ابلاغ برای طرفین نهایی والزم آور است. رای مذکور بویژه با توجه به کنوانسیون نیویورک که مبنی به رسمیت شناختن وقابل اجرا بودن آرای حکمیت خارجی که بیش از صد کشور ان را امضاء کرده اند قابل اجرا خواهد بود.

آیامی توان علیه رای دیوان حکمیت درخواست تجدیدنظر کرد:

تجدید نظر قضایی نسبت به دادگهای فدرال سوئیس در مواردی نادر مجاز است مانند عدم صلاحیت، نقض مقررات بدوی آیین دادرسی ویا تعارض با نظم عمومی

الگوی کلی برای خسارات مالی

الگوی کلی برای محاسبه مالی آسان و ساده است. ولی باید بر این نکته تاکید ورزید که ارزیابی واقعی خسارات چندان ساده نیست. ارزیابی کامل و دقیق خسارات در اکثر دعاوی مستلزم چند شرط است: مساعی یک کارشناس حرفه ای برحسب میزان معلولیت خواهان، پزشکی که بتواند وضعیت جسمی و هزینه های آتی آن را برآورد کند و اقتصاددانی که درآمدهای آینده خواهان را در فرض فقدان صدمه تخمین زند.

بنابراین در ساده ترین شکل، الگوی کلی برای ارزیابی خسارات مالی به شرح زیر است:

درآمدهای ازدست رفته (حال و آینده)

به اضافه مزایای شغلی از دست رفته

به اضافه خدمات خانوادگی ازدست رفته

منهای مخارج شخصی (فقط مرگ ناروا)

به اضافه هزینه های پزشکی

درآمدهای ازدست رفته (تفاضل درآمدهای خواهان یا متوفی قبل و بعد از واقعه که منجر به اقامه دعوا شده است. مزایای شغلی ازدست رفته) منافی است که خواهان یا متوفی در صورتی که حادثه اتفاق نیفتاده بود، مازاد بر حقوق به وی تعلق می گرفت.

خدمات خانوادگی) ارزش کاری است که خواهان یا متوفی در صورتی که حادثه به وقوع نمی پیوست، برای خوانواده اش به انجام می رسانید.

مخارج شخصی) مبلغی است که متوفی در صورت زنده ماندن صرف هزینه های شخصی خود در مدت عمر قابل انتظارش می کرد یا در یک عبارت ترسناکتر ولی دقیق می توان گفت که مخارج شخصی مبلغی است که مرگ مانع ادامه هزینه آن می گردد.

هزینه های پزشکی) شامل هزینه های انجام شده تا زمان دادرسی و هرگونه هزینه های آینده (درمان، لوازم طبی حمل و نقل....) است.

آنچه گفته شد عوامل اصلی در ارزیابیهای خسارات مالی است. تعیین قیمت برای هر یک از این عوامل مستلزم تحقیقات کامل در مورد موقعیت خواهان و منابع آماری است تا بتوان از میزان درآمد مرد انتظاری که می توانست داشته باشد مطلع شد.

مثالی برای ارزیابی یک خسارت مالی

در اینجا در یک مثال فرضی خسارت مالی وارده به پسر جوان دانش آموز ارزیابی می شود که در جریان بازی فوتبال دبیرستان مصدوم و در نتیجه دچار معلولیت کامل می گردد.

مقدمه

این گزارش به ارزیابی زیانهای مالی وارده به جانانان بیچر می پردازد که در یک حادثه بازی فوتبال که در تاریخ ۲۷ فوریه ۱۹۸۹ برگزار گردید مصدم شد. خسارت مای در این پرونده شامل ازدست دادن درآمدها مزایای شغلی و هزینه های مراقبت پزشکی است.

فرضیه های قضیه

برای ارزیابی خسارت مالی وارده به خواهان فرضیه های ذیل مطرح شد.

۱) عمر کاری و طول عمر محتمل

فرض شده است که خواهان تا ۶۵ سال قادر به کار کردن بوده است. طول عمر او از تاریخ وقوع حادثه ۵۸/۸ سال و یا به عبارت دیگر تا سال ۲۰۴۸ بود جمعا ۷۳/۵ سال یعنی (استخراج شده از جداول عمر دیپارتمان تندرستی و خدمات انسانی ایالات متحده در اکتبر ۱۹۸۸)

ظرفیت درآمد در صورت عدم وقوع حادثه

۲) مبنای درآمدها

ما بر ای تعیین درآمد دو نوع ارزیابی داشته ایم. برآورد ما بر پایه درآمدهای یک فارغ التحصیل متوسط دانشگاه است. در دومین برآورد فرض بر این است که خواهان پس از اتمام تحصیلات شغل خانوادگی خود را برگزیند. بسیاری از تحقیقات نشان داده که یک رابطه قوی میان تحصیلات و درآمد وجود دارد. درآمد های فرضی در این گزارش بر مبنای اطلاعات حاصل از آمار آمریکا است که میانگین درآمد در سال ۱۹۸۷ در گرنهای سنی و برای سطوح مختلف تحصیلات محاسبه کرده است. در این بحث یعنی ارزیابی نوع اول ما پذیرفته ایم که خواهان دوره دانشگاه را به پایان می رسانید. بنابراین برآورد ما از درآمدها براساس میانگین درآمدهای یک فارغ التحصیل خواهد بود. در برآورد نوع دوم از درآمد ها از رهنمودهای بررسی ملی دستمزهای حرفه ای اداری فنی و دفتری صنایع خدمات خصوصی (دیپارتمان کار آمریکا سازمان آمار کار دسامبر ۱۹۸۷) استفاده کرده ایم. برسیهای PATC در زمینه درآمدها در مورد درآمدهای مهندسی به کار گرفتیم و برای هر موقعیت مادستمد متوسط سالیانه را ملاک قرار داده ایم. براساس بررسی مذکور در رشته مهندسی هشت سطح ازارتقای درآمد از یکدیگر تفکیک گردیده و ما پذیرفته ایم که جانی تا سال ۲۰۰۴ و در سن سی سالگی به سطح پنجم می رسید. در سال ۲۰۰۹ یا در سن ۳۵ سالگی فرض ما این است که جانی پست مدیریت اجرایی را احراز می کرد. براساس بررسی PATC میانگین درآمد یک مهندس در شروع کار در سال ۱۹۸۷ بالغ بر ۲۵۹۹۸ دلار برآورد شده است. به طور معمول مدیران اجرایی در شرکت ابزارالات و قالب بیچر در مجموع سالیانه مبلغ ۸۰۰۰۰ دلار دریافت می کنند.

۳) رشد درآمد - رشد گذشته

برای اینکه رشد دلار از سال ۱۹۸۷ رابه نرخ روز یعنی ۱۹۸۹ برسانیم ما از یک ضریب ۳/۹ در سال استفاده کردیم. این نرخ افزایش تغییرنرخ سالیانه ای است که در فهرست بهای ساعاتی کار (گزارش اقتصادی رئیس جمهوری ژانویه ۱۹۸۹) مذکور است.

رشد آینده

تخمین زده می شود که رشد درآمد بعد از سال ۱۹۸۹ به ۷ درصد در سال برسد. این نرخ ۷ درصد نمایانگر نرخ میانگین سالیانه مذکور در فهرست بهای ساعاتی دستمزد از ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۸ است. (گزارش اقتصادی رئیس جمهوری ژانویه ۱۹۸۹)

۴) نرخ تعدیل

درآمدهای آینده با توجه به قیمت روز تعدیل می شوند: زیرا خواهان مبلغ مذکور در حکم رادر زمان حال دریافت می دارد وقادر خواهد بود اصل مبلغ دریافتی رایکجا سرمایه گذاری کند. این نکته نیز باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد که علاوه بر اصل مبلغ دریافتی بخش مهمی از منافع آتی تحصیل میشود دوباره قابل سرمایه گذاری خواهد بود. در محاسبه خسارات مالی میان منافع حاصل از اصل مبلغ وسود حاصل از سرمایه گذاری بهره های به دست آمده تفاوت وجود دارد. میانگین سود سرمایه گذاری تضمین شده تا ۲۹ ژانویه ۱۹۸۹ حداکثر بالغ بر ۷/۲۹ درصد بود که برای محاسبه سود سرمایه گذاری اصل مبلغ به کار گرفته شده (شاخصهای اقتصادی دسامبر ۱۹۸۸) سود سرمایه گذاری بهره های حاصل از اصل مبلغ نرخ پایین تری را نشان می دهد. این نرخ که ار سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۸ پایدار وتضمیتی بوده ۷/۴۴ درصد است. (گزارش اقتصادی رئیس جمهوری - فوریه ۱۹۸۸)

۵) مزایای شغلی

براساس مطالعات جامعی که از سوی اتاق بازرگانی ایالات متحده انجام گرفته استکارگران در آمریکا مزایای مالی معادل میانگین حدود ۱۴ درصد درآمدهای سالیانه خود را دریافت می کنند. ما این نرخ رادر تعیین مزایای شغلی از دست رفته یک فارغ التحصیل به کار گرفتیم.

۶) هزینه های سالیانه پزشکی

براساس گزارش مورخ ۱۵ مارس ۱۹۸۹ دکتر فرید آپاین خواهان درحال حاضر ودر آینده نیاز به مراقبت پزشکی مستمری دارد. او هزینه این مراقبت را ۷۵۰۰۰ دلار در سال برآورد کرده است ماین رقم رابرای طول مدت عمر محتمل خواهان به حساب آورده ایم.

۷) رشد هزینه پزشکی در آینده

فرض بر این است که مخارج مراقبت‌های پزشکی بعد از سال ۱۹۸۹ رشدی معادل ۰/۷۹۶ در سال داشته باشد این نرخ نمایانگر تغییر نرخ سالیانه خدمات پزشکی CPI از ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۸ است (گزارش اقتصادی رئیس جمهوری ژانویه ۱۹۸۹) هزینه های پزشکی با استفاده از همان روشهای مورد بحث تعدیل گردید.

فهرستها

فهرستهای ۱ و ۲ درآمدهای بالقوه خواهان رادر مقام یک فارغ التحصیل و یک مهندس بر حسب مورد در صورت عدم وقوع حادثه تا سن ۶۵ سالگی نشان می دهد. لیست ۳ هزینه مراقبت‌های پزشکی رادر طول عمر محتمل او به نمایش می گذارد.

نتیجه

چنانچه در لیستهای نهایی قید شده: جمع کل خسارات مالی خواهان از ۷۰۸۸۴۵۶ تا ۷۹۹۶۸۲۸۶ دلار درنوسان است.

فهرست نهایی

مهندس

فارغ التحصیل

شغل مفروض

۲۷۹۲۴۱۶

۱۹۱۲۵۸۶

درآمدها در صورت عدم وقوع

۵۱۷۵۸۷۰

۵۱۷۵۸۷۰

هزینه های مراقبت پزشکی

۷۹۶۸۲۸۶

۷۰۸۸۴۵۶

جمع کل خسارات مالی

فهرست شماره ۱

جانانان بیچر

درآمدهای بالقوه و بهره ی آن در فرض فارغ التحصیلی از دانشگاه

سال	سن	درآمد	سال	سن	درآمد
۱۱۹۶	۲۲	۱۲۱۹۱	۲۰۱۱	۳۷	۳۸۵۷۹
۱۹۹۷	۲۳	۲۵۵۰۹	۲۰۱۲	۳۸	۳۹۱۷۵
۱۹۹۸	۲۴	۲۶۶۲۸	۲۰۱۳	۳۹	۳۹۷۵۸
۱۹۹۹	۲۵	۲۷۷۳۸	۲۰۱۴	۴۰	۴۰۳۳۹
۲۰۰۰	۲۶	۲۸۸۳۸	۲۰۱۵	۴۱	۴۰۹۱۴
۲۰۰۱	۲۷	۲۹۹۳۰	۲۰۱۶	۴۲	۴۱۴۸۳
۲۰۰۲	۲۸	۳۰۷۶۳	۲۰۱۷	۴۳	۴۲۰۰۳
۲۰۰۳	۲۹	۳۱۵۸۹	۲۰۱۸	۴۴	۴۲۵۱۷
۲۰۰۴	۳۰	۳۲۴۰۷	۲۰۱۹	۴۵	۴۳۰۲۷
۲۰۰۵	۳۱	۳۳۲۱۸	۲۰۲۰	۴۶	۴۳۵۳۱
۲۰۰۶	۳۲	۳۴۰۲۲	۲۰۲۱	۴۷	۴۴۰۳۰
۲۰۰۷	۳۳	۳۴۹۵۰	۲۰۲۲	۴۸	۴۴۵۸۲
۲۰۰۸	۳۴	۳۵۸۶۹	۲۰۲۳	۴۹	۴۵۱۲۸
۲۰۰۹	۳۵	۳۶۷۸۱	۲۰۲۴	۵۰	۴۵۶۶۹
۲۰۱۰	۳۶	۳۷۶۸۴	۲۰۲۵	۵۱	۴۶۲۰۴
۲۰۲۶	۵۲	۴۶۷۳۴	۲۰۳۵	۶۱	۴۳۰۰۳
۲۰۲۷	۵۳	۴۵۵۲۲	۲۰۳۶	۶۲	۴۳۵۵۱
۲۰۲۸	۵۴	۴۴۳۱۹	۲۰۳۷	۶۳	۴۳۳۷۴
۲۰۲۹	۵۵	۴۳۱۲۴	۲۰۳۸	۶۴	۴۳۱۹۹
۲۰۳۰	۵۶	۴۱۹۳۸	۲۰۳۹	۶۵	۲۱۴۵۴
۲۰۳۱	۵۷	۴۰۷۶۱	درآمدها		
۲۰۳۲	۵۸	۴۱۳۳۰	بهره		
۲۰۳۳	۵۹	۴۱۸۹۳	جمع کل		
۲۰۳۴	۶۰	۴۲۴۵۱			

فهرست شماره ۲
درآمدهای بالقوه یک مهندس

هزینه	سن	سال	هزینه	سال	سن
۸۸۷۰۴	۴۶	۲۰۲۰	۷۵۴۶۸	۱۶	۱۹۹۰
۸۹۱۴۷	۴۷	۲۰۲۱	۷۵۹۳۲	۱۷	۱۹۹۱
۸۹۵۹۲	۴۸	۲۰۲۲	۷۶۳۹۳	۱۸	۱۹۹۲
۹۰۰۳۷	۴۹	۲۰۲۳	۷۶۸۴۹	۱۹	۱۹۹۳
۹۰۴۸۴	۵۰	۲۰۲۴	۷۷۳۰۲	۲۰	۱۹۹۴
۹۰۹۳۳	۵۱	۲۰۲۵	۷۷۷۵۳	۲۱	۱۹۹۵
۹۱۳۸۳	۵۲	۲۰۲۶	۷۸۲۰۱	۲۲	۱۹۹۶
۹۱۸۳۴	۵۳	۲۰۲۷	۷۸۶۴۶	۲۳	۱۹۹۷
۹۲۲۸۷	۵۴	۲۰۲۸	۷۹۰۹۰	۲۴	۱۹۹۸
۹۲۷۴۲	۵۵	۲۰۲۹	۷۹۵۳۱	۲۵	۱۹۹۹
۹۳۱۹۸	۵۶	۲۰۳۰	۷۹۹۷۱	۲۶	۲۰۰۰
۹۳۶۵۶	۵۷	۲۰۳۱	۸۰۴۱۰	۲۷	۲۰۰۱
۹۴۱۱۶	۵۸	۲۰۳۲	۸۰۸۴۷	۲۸	۲۰۰۲
۹۴۵۷۸	۵۹	۲۰۳۳	۸۱۲۸۴	۲۹	۲۰۰۳
۹۵۰۴۱	۶۰	۲۰۳۴	۸۱۷۱۹	۳۰	۲۰۰۴
۹۵۵۰۷	۶۱	۲۰۳۵	۸۲۱۵۴	۳۱	۲۰۰۵
۹۵۹۷۴	۶۲	۲۰۳۶	۸۲۵۸۹	۳۲	۲۰۰۶
۹۶۴۴۳	۶۳	۲۰۳۷	۸۳۰۲۴	۳۳	۲۰۰۷
۹۶۹۱۴	۶۴	۲۰۳۸	۸۳۴۵۸	۳۴	۲۰۰۸
۹۷۳۸۸	۶۵	۲۰۳۹	۸۳۸۹۲	۳۵	۲۰۰۹
۹۷۸۶۳	۶۶	۲۰۴۰	۸۴۳۲۷	۳۶	۲۰۱۰
۹۸۳۴۰	۶۷	۲۰۴۱	۸۴۷۶۲	۳۷	۲۰۱۱
۹۸۸۱۹	۶۸	۲۰۴۲	۸۵۱۹۷	۳۸	۲۰۱۲
۹۹۳۰۱	۶۹	۲۰۴۳	۸۵۶۳۲	۳۹	۲۰۱۳
۹۹۷۸۴	۷۰	۲۰۴۴	۸۶۰۶۹	۴۰	۲۰۱۴
۱۰۰۲۷۰	۷۱	۲۰۴۵	۸۶۵۰۶	۴۱	۲۰۱۵
۱۰۰۷۵۸	۷۲	۲۰۴۶	۸۶۹۴۳	۴۲	۲۰۱۶
۱۰۱۱۱۲	۷۳	۲۰۴۷	۸۷۳۸۲	۴۳	۲۰۱۷
۵۱۱۳۶۲۳	جمع کل آینده		۸۷۸۲۲	۴۴	۲۰۱۸
۵۱۷۵۸۷۰	جمع کل		۸۸۲۶۳	۴۵	۲۰۱۹

فهرست شماره ۳ هزینه های مراقبتهای پزشکی در طول مدت عمر محتمل

درآمدها	سن	سال	درآمدها	سن	سال
۷۲۰۱۷	۴۵	۲۰۱۹	۱۳۷۴۵	۲۲	۱۹۹۶
۷۱۷۴۳	۴۶	۲۰۲۰	۲۹۵۹۳	۲۳	۱۹۹۷
۷۱۴۵۲	۴۷	۲۰۲۱	۳۱۶۸۰	۲۴	۱۹۹۸
۷۱۱۶۹	۴۸	۲۰۲۲	۳۴۲۸۹	۲۵	۱۹۹۹
۷۰۸۸۷	۴۹	۲۰۲۳	۳۶۸۷۹	۲۶	۲۰۰۰
۷۰۶۰۶	۵۰	۲۰۲۴	۴۰۵۱۴	۲۷	۲۰۰۱
۷۰۳۲۵	۵۱	۲۰۲۵	۴۴۱۲۱	۲۸	۲۰۰۲
۷۰۰۴۴	۵۲	۲۰۲۶	۵۱۹۳۴	۲۹	۲۰۰۳
۶۹۷۶۴	۵۳	۲۰۲۷	۵۹۶۸۹	۳۰	۲۰۰۴
۶۹۴۸۵	۵۴	۲۰۲۸	۶۷۷۱۸	۳۱	۲۰۰۵
۶۹۲۰۶	۵۵	۲۰۲۹	۷۵۶۸۶	۳۲	۲۰۰۶
۶۸۹۲۹	۵۶	۲۰۳۰	۷۵۴۰۷	۳۳	۲۰۰۷
۶۸۶۵۲	۵۷	۲۰۳۱	۷۵۱۲۸	۳۴	۲۰۰۸
۶۸۳۷۵	۵۸	۲۰۳۲	۷۴۸۴۷	۳۵	۲۰۰۹
۶۸۱۰۰	۵۹	۲۰۳۳	۷۴۵۵۶	۳۶	۲۰۱۰
۶۷۸۲۵	۶۰	۲۰۳۴	۷۴۲۸۲	۳۷	۲۰۱۱
۶۷۵۵۱	۶۱	۲۰۳۵	۷۴۰۰۱	۳۸	۲۰۱۲
۶۷۲۷۸	۶۲	۲۰۳۶	۷۳۷۱۸	۳۹	۲۰۱۳
۶۷۰۰۵	۶۳	۲۰۳۷	۷۳۴۳۵	۴۰	۲۰۱۴
۶۶۷۴۳	۶۴	۲۰۳۸	۷۳۱۵۱	۴۱	۲۰۱۵
۳۳۱۴۳	۶۵	۲۰۳۹	۷۲۸۶۸	۴۲	۲۰۱۶
۲۷۹۲۴۱۶	جمع کل درآمد		۷۲۵۸۴	۴۳	۲۰۱۷
			۷۲۳۰۱	۴۴	۲۰۱۸

فهرست منابع

۱. حسین آقایی نیا، حقوق ورزشی
۲. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی الزام های خارج از قرارداد
۳. ایرج گلدوزیان، محشاء قانون مجازات اسلامی
۴. مهدی سلیمی، حوادث ناشی از عملیات ورزشی
۵. سید رضا تقوی، چهل حدیث در ورزش
۶. والتر تی جامبیون جنیور، مبانی حقوق ورزش ها ترجمه حسین آقایی نیا
۷. ماهنامه؛ دادرسی؛ شماره ۵۷
۸. جعفر لنگرودی، ترمینولوژی حقوق
۹. حسین عمید، فرهنگ عمید فارسی
۱۰. آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، قواعد فقهیه جلد اول
۱۱. ابولحسن محمدی، قواعد فقه
۱۲. البر چلبی، دیباچه ای بر حقوق ورزش وقواعد حقوق عمومی